

بسم الله الرحمن الرحيم

هجرت و مهاجرت؛ میان فرصت‌ها و چالش‌ها

(ترجمه)

شکی نیست که سیرت نبوی با داشتن درس‌های عملی از زندگی رسول بزرگوار ما صلی الله علیه وسلم، چراغ هدایت هر مسلمان و راه نجات هر جوینده رستگاری را فراهم می‌کند و از تغییر سیاسی حاصل از عقیده اسلامی نشأت می‌گیرد. و شکی نیست که برجسته‌ترین مورد این سیرت، همانا هجرت با شرافت نبوی است. از آن‌جا که این واقعه در قلب مسلمانان از اهمیت بسیاری برخوردار است و به دلیل سردرگمی‌ای که ممکن است در تشبیه هجرت او صلی الله علیه وسلم و هجرت همراهانش رحمت الله علیهم اجمعین به مهاجرت مسلمانان در زمان ما به وجود آید، دریافته‌ایم که هر حادثه باید به طور عینی به متن خود منتقل و روشن شود.

همان‌طور که می‌دانیم، در زندگی رسول الله صلی الله علیه وسلم دو هجرت وجود دارد و هر دو به نوعی اقدامات سیاسی و پیروی از وحی می‌باشد. اولین مهاجرت، هجرت یاران رسول الله صلی الله علیه وسلم به حبشه است، که در آن "پادشاهی عادل بود که هیچ‌کس نزد او مظلوم قرار نمی‌گرفت" و آن یک اقدام احتیاطی برای محافظت از کتله بود. این اقدام زمانی گرفته شد که قریش با سیاست قتل، بدرفتاری و شکنجه، به اذیت و آزاد افراد کتله رسول الله صلی الله علیه وسلم آغاز کرد. از جمله این افراد، یکی سمیه رضی الله تعالی عنهما است که کشته شد، خانواده یاسر که در مکه شکنجه شدند و بلال حبشی که بارها برهنه بر روی ماسه‌های سوزان صحرا انداخته و شکنجه می‌شد، چون مکرراً "احد احد" می‌گفت و با آن‌ها مبارزه می‌کرد. همه این‌ها بدین خاطر بود که مسلمانان را از دین‌شان بازدارند و آنان را از پیروی این منهج باثبات و این دعوت بزرگ دلسرد کنند.

هجرت دوم برای اقامه دولت، اعلان حاکمیت و تطبیق و تنفیذ مواضع اسلام در تمام عرصه‌های زندگی بود. این کار سیاسی بزرگ از دعوت بزرگان قبائل و طلب نصرت از اهل قدرت شروع شد تا آن‌که الله سبحانه و تعالی نصرت را در عقد بیعت عقبه ثانی با بیعت جنگ متحقق کرد. سپس انصار این دین را استوار ساختند و پادشاهان عرب و غیرعرب را به چالش کشیدند تا خدایی جز الله سبحانه و تعالی و پیامبری جز محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم باقی نماند.

﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه):

(۴۰)

ترجمه: اگر او را یاری نکنید، الله (سبحانه و تعالی) او را یاری کرد (و در مشکل‌ترین ساعات، او را تنها نگذاشت) آن هنگام که کافران او را (از مکه) بیرون کردند، در حالی که دومین نفر بود (و یک نفر بیش‌تر همراه نداشت)؛ در آن هنگام که آن دو در غار بودند و او به همراه خود می‌گفت: «غم مخور، الله (سبحانه و تعالی) با ماست!» در این موقع، الله (سبحانه و تعالی) سکینه (و آرامش) خود را بر او فرستاد؛ و با لشکرهایی که مشاهده نمی‌کردید، او را تقویت نمود؛ و گفتار (و هدف) کافران را پایین قرار داد،

و آن‌ها را با شکست مواجه کرد؛ و سخن الله (سبحانه و تعالی) (و آیین او)، بالا (و پیروز) است؛ و الله (سبحانه و تعالی) عزیز و حکیم است!

بر این اساس، هجرت - چه اولی و چه دومی - نتیجه آماده‌سازی کتله‌ای آگاه و دراک از احکام و مفاهیم اسلام و آماده‌سازی فضای سیاسی برای پذیرش این نظام بزرگ، یعنی دولت اسلامی بود.

مهاجرت و اوضاع مهاجران امت‌مان، به ویژه در کشورهای غربی، محصول جنایت، خیانت، فساد و مزدوری حاکمان ماست. علاوه بر تمام این‌ها، بی‌توجهی دشمنان الله سبحانه و تعالی نیز نسبت به ما به دلیل نبود یک رهبر امین بی‌توجه اند. مهاجران فقط قربانیان این رژیم‌های پوسیده اند که مردم را گرسنه ساختند، آنان را ذلیل نمودند و بر مردم خود ننگی به جا گذاشتند تا کفار با تمام وحشی‌گری آنان را به نام‌های فریبنده؛ مانند همسان‌سازی، آزادی‌ها، مؤسسات خیریه و حقوق بشر مورد ضرب قرار دهند!

از این رو، بر ما مسلمانان لازم است تا در سرزمین‌هایی که هجرت نمودیم به اسلام، افکار و احکام آن پایبند باشیم، از اصول آن به اندازه نوک انگشتی کوتاه نیاییم. اسلام را در اعمال و گفته‌های خود مجسم کنیم و هویت اسلامی خود را فراموش نکنیم. از احکام، قوانین و افکار ظالم پیروی نکنیم، زیرا به الله سبحانه و تعالی سوگند که آن‌ها ما را فریب ندادند و ما را تحقیر نکردند و ما را به چنگال کفر نینداختند؛ مگر برای این که همسران و فرزندانمان از دین جدا شوند. و این دقیقاً همان چیزی است که شیطان و دستیارانش با گذاشتن فرهنگ و تمدن مان و جایگزینی تمدن غرب و احکام کفر با آن، به نام همسان‌سازی می‌خواهند.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ فِي سَفَرِنَا هَذَا الْبِرَّ وَالتَّقْوَى، وَمِنَ الْعَمَلِ مَا تَرْضَى، اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا هَذَا، وَاطْوِ عَنَّا بُعْدَهُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ، وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعَثَاءِ السَّفَرِ، وَكَآبَةِ الْمُنْظَرِ، وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ فِي الْمَالِ وَالْأَهْلِ»

ترجمه: ای بار اله! ما در این سفرمان از تو نیکوکاری و پرهیزگاری و عملی را که می پسندی طلب می‌کنیم. بار اله! این سفرمان را بر ما آسان کن و دوری آن را بر ما کوتاه ساز. بار اله! تو در سفر همراه و در خانواده سرپرست هستی. پروردگارا! ما از سختی سفر و منظره غم‌انگیز و بازگشت بد در مال و خانواده و فرزند بتو پناه می‌جوییم.

پس از این که سختی سفر تحقیرآمیز بدون توشه‌ای از فرهنگ اسلامی مان، ما را خسته کرد، منظره غم‌انگیز زندگی در جوامع بدون ویژگی‌های اسلام برای ما کافی است. بنابراین ما در این جا بین دو گزینه قرار داریم یا تسلیم می‌شویم و یا سراغ آن چه آن‌ها می‌خواهند می‌رویم، مانند رها کردن دین خود که در این صورت شرم و خسارتی آشکارا در دنیا قبل از آخرت برای ما خواهد بود!

ما همسران و فرزندان خود را نیز همراهمان نجات می‌دهیم، سپس با آنانی که برای از سرگیری زندگی اسلامی فعالیت می‌کنند، کار می‌کنیم و به کاروان‌های با برکت آن می‌پیوندیم. ابتدا شخصیت‌های اسلامی مان را شکل می‌دهیم، سپس تصورات غلط را در جامعه اصلاح می‌کنیم. با روشن‌گری و آگاهی با ظالمان مقابله می‌کنیم و هویت اسلامی خود را که الله سبحانه و تعالی با آن راضی است و ما را با آن خاص گردانیده است، برجسته می‌کنیم. بنابر این، در مقابل غرب کافر با آن چه از مکر و حيله‌گری که برای دین

حنیف ما دارد ایستاده‌ایم. در همهٔ حرکات و اعمال خود به حکم شرع استناد می‌کنیم تا بر اساس آن چه که نبی ما صلی الله علیه و سلم به ما آموخته و امر کرده‌اند، نظم و انضباط داشته باشیم. به وجود می‌آید آن چه که به وجود آمدنی باشد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ (الأنفال: ۲۴)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت الله (سبحانه و تعالی) و پیامبر (صلی الله علیه و سلم) را اجابت کنید؛ هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد! و بدانید الله (سبحانه و تعالی) میان انسان و قلب او حایل می‌شود، و همه شما (در قیامت) نزد او گردآوری می‌شوید!

نویسنده: استاد احمد شامی

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

۱۵ محرم ۱۴۴۲ ه.ق

پنج‌شنبه، ۰۳ سپتمبر/سپتامبر ۲۰۲۰ م

مترجم: احمد صادق امین